

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عموم ثابت از طریق استنباط

(ترجمه)

به علی غیث أبوالحسن

پرسش

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

در کتاب شخصیه اسلامی جلد 3 صفحه 331 قول الله سبحانه وتعالی آمده است: ﴿فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ [طلاق: 6] ترجمه: اجر آنها را بدهید. این جا لفظ عام است که شامل اجر شیر دهنده، کار گر، خانه و موتر و غیره می شود..

تبصره: از متن آیت درست نیست که غیر از اجوره شیر دهنده چیزی دیگر مانند کار گر، موتر و غیره استنباط شود، برای تان چنین بیان می کنیم:

1- قاعده شرعی چنین است: (عموم لفظ در موضوع یک حادثه) آیت عام است که هر شیر دهنده را در بر می گیرد، هر شیر دهنده مستحق اجوره شیر دادنش می باشد و موضوع آیت اجوره شیر دادن است.

2- قول الله که فرموده: ﴿فَاتُوهُنَّ﴾ یعنی بدهید زنان طلاق شده ی شیر دهنده ها را. ضمیر هن به زن ها بر می گردد و ضمیر هن شامل ضمیر هم نمی شود. پرداخت اجوره برای زن طلاق داده شده ی بائن شیر دهنده می باشد که شامل تمام زن ها می شود و معلوم دار است که خطاب مونث مشمول مذ کر نمی شود.

3- آیت لفظ عام است، به اجرت شیر دهنده، کار گر، خانه، موتر و غیره شامل می گردد. مانند: «فإن أرضعن لكم، فاتوا الأجراء أجرهم» اگر برای شما شیر دادند، مزد اجیران را بدهید. لفظ اجراء شامل ذکور وانات می شود و موضوع آن اجوره و شیر دادن حادثه است. وقول: ﴿فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ از آن حکم جزئی استنباط می شود و آن اجاره شیر دهنده است وهم چنان حکم کلی نیز استنباط می شود. از متن عقلاً ثابت می شود که اجیر وقتی که کار را انجام داد مستحق اجر می گردد. علی غیث ابو الحسن

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

برادر من از شما به خاطر توجه‌تان به بحث‌های عمومی در زبان قدر دانی می‌کنم؛ لیکن شما در موضوع خوب تدبر ننموده‌اید، یک‌جانب را گرفته، جانب دیگر را ترک نموده‌اید. و یا شاید شما سوال را به اسلوب نیکو بیان کرده، خواهان تفسیر آن‌اید. شما سوال نکردید، بلکه تبصیره کردید که: «از نص آیت فقط اجاره زن شیر دهنده استنباط می‌شود.» موضوع را بسته نموده، جواب دادید. جای سوال و تفسیر نمانده است.

با وجود آن از سوال تان معلوم می‌شود که به موضوع توجه دارید. از عدم احسان‌تان در مورد نحوه سوال در گذر شده، جواب خواهم داد. الله شما را به بهترین کار هدایت نماید.

بحث در مسئله‌ی فوق‌الذکر از مسایل اصول می‌باشد که نیاز به بررسی همه‌جانبه دارد. یک‌جانبه آن گرفته شده مبنی بر آن حکم شده مشکل حل نمی‌شود؛ گرچند درباره انواع عموم تدبر کردید تا حدی خواستید که در دنبال آن بروید؛ اما به نتیجه مطلوب نرسیدید. ما انواع عموم را در شخصیه در جلد سوم، در صفحه 235-237 تحت عنوان: راه‌های ثبوت عموم لفظ بحث نموده که در ذیل به بعضی از قسمت‌های آن اشاره می‌نماییم:

«عموم ثابت توسط لفظ، یا زبان مطابق وضعیت ثابت و استفاده‌اش می‌کند و یا توسط عرف استفاده شده، ثابت می‌شود یا توسط عقل ثابت شده، استنباطی می‌باشد نه محض عقل. به عبارت دیگر، عموم لفظ از طریق عرب که لفظ را عموم وضع نموده‌اند یا از طریق استنباط از نقل ثابت گردیده است...»

عموم ثابت شده از طریق نقل یا استفاده شده از وضع لغت است یا استفاده شده از طریق استعمال اهل لغت می‌باشد؛ ولی عموم که اهل لغت آن را وضع نموده‌اند دو حالت دارد: یکی آن ذاتاً عام باشد به غیر خودش نظر به قرینه محتاج می‌شود.

عموم آن از نظر اهل لغت استفاده شده، قرینه موجود می‌باشد؛ اما عام استفاده شده از اهل زبان با عام استفاده شده از نظر عرف مانند قول الله سبحانه و تعالی: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾ [نساء: 23] ترجمه: حرام شده برای شما مادرهای تان. اهل عرف این ترکیب را از حرمت چیزی معین به جمع و عام نقل نموده‌اند. مراد از زنان بدون در نظر داشت استخدام و خاص نمودن شان است. مانند قول دیگر الله: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمِیْنَةُ﴾ [مائده: 3] ترجمه: بر شما خود مرده حرام شده است. از این آیت مطابق خوردن عرف حمل می‌شود، حقیقت عرفی چنین است.

اما عام ثابت از طریق استنباط که قاعده او آن است که به اساس ترتیب حکم بر صفت توسط آوردن فاء سببی تعقیبه شناخته می‌شود. مثال فرموده الله متعال: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ [مائده: 38] ترجمه: دست مرد دزد وزن دزد را قطع کنید. این چنین فهم می‌شود عموم و انواع آن؛ مخصوصاً عام ثابت از طریق استنباط، جواب ذیلاً ارائه می‌گردد:

سوال تان در کتاب شخصیه جزء سوم صفحه 327 چنین آمده است:

قول الله تعالى که فرموده است: ﴿فَاتُوهَنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ لفظ عام است که شامل اجاره زن شیر ده، کارگر، خانه، موتر وغیره می‌شود. گفته نمی‌شود که اجاره کار گربا شیرده قیاس شده است. یا اجاره موتربر اجاره کار گر قیاس شده باشد؛ بل که آن در جزئیات در تحت آن می‌آید.

عام مورد نظر در این جا عام است که به سبب داشتن منفعت مستحق اجر شده است. این گونه عام گرفته شده از ترتیب اجر است که شیر دادن خود منفعت است توسط آوردن فاء تعقیبی و سببی. آیت بیان می‌دارد: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهَنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ سبب مستحق شدن اجر منفعت است که از شیر دادن حاصل می‌شود. دلیل آن عمومیت استحقاق اجر است بر پوره گرفتن منفعت، برابر است که اجوره برای شیر دادن باشد یا اجاره برای حصول منفعت، مثل مزد کارگر. یا اجاره در بدل اخذ منفعت درعین شیء مانند موتر، تمام آن گرفته شده از نوع اخیر عموم است که از طریق استنباط با آمدن فاء تعقیب و سبب ثابت می‌شود. از طریق قیاس فرع از اصل که علت خاصی در آن نهفته باشد، گرفته نشده است که گویا پوره شدن منفعت به علت اجوره باشد. از یک دید اجاره کار کر و موتر در آن داخل است و اجاره زن شیرده با اجاره کارگر و موتر ملحق نمی‌شود.

امیدوارم که جواب سوال واضح شده باشد و شما تذکر ما را که درست بوده، درک کرده باشید.

از نظر علمی آیت مبارکه از اصول دلایل اجاره در شریعت می‌باشد. هیچ کس از اهل علم آن را محدود به شیر دادن نکردند؛ چنان که می‌دانم، در بعضی مصادر چنین وارد شده که برای تان نقل می‌کنیم:

- در کتاب "بداية المجتهد ونهاية المقتصد" تألیف ابو ولید محمد بن رشد قرطبی مشهور به ابن رشد نواسه، متوفای 595 هـ.ق ناشر کتاب: دارالحدیث - قاهره. در قسمت کتاب اجارات چنین آمده است: «اجاره در نزد تمام فقهای امصار و صدر اول جایز می‌باشد. دلیل اکثر این قول الله تعالی است: ﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ﴾ [قصص: 27] ترجمه: من می‌خواهم که یکی از این دو دختر را به نکاح تو در آورم. وفرموده دیگر: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهَنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ [طلاق 6 پایان.

در کتاب مغنی که از این قدامه بوده، در باب اجاره ها آمده است: اصل درجواز اجاره کتاب و سنت واجماع است. اما دلیل کتاب: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهَنَّ أُجُورَهُنَّ﴾، [طلاق: 6] این آیت دلیل اجاره می‌باشد.

برادر تان عطا بن خلیل ابوالرشته

مترجم: بدرالدین "حسینی"

محرم 1437 هـ.ق.

2015/10/27 م.